پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۳۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۵
صص ۱۵۵-۱۷۷ (مقاله پژوهشی)

No. 39, Autumn & Winter 2026/2027

بررسی امّت بودن حیوانات و لوازم آن
با تمرکز بر تفاسیر مفاتیح الغیب و المیزان و تطبیق آن با تحقیقات علمی جدید

ساره بردبار[۱]، جعفر عزیزی[۲]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۵/۰۴/۳۰ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۵/۱۹)

چکیده

خداوند حکیم در آیهٔ «*وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ.*» (الأنعام، ۳۸) جنبندگان در زمین و پرندگانی که با دو بال خود در آسمان پرواز می کنند را، امّت‌هایی مانند بشر خوانده است. تفسیر فخر رازی برای مثلیت و شباهت حیوانات با انسان این است که همه مورد عنایت و فضل خداوند هستند و اگر چیزی به مصلحت آنها باشد، خداوند دریغ نمی‌کند. حشر در ذیل آیه را هم، هر چند که می‌پذیرد؛ اما دربارهٔ خصوصیات و لوازم حشر سخنی از خود ندارد ، نوعی سردرگمی و تردید نسبت به پذیرش لوازم حشر از عباراتش پیداست. از منظر علامه طباطبایی شباهت حیوان به انسان در شعور و آگاهی و به تعبیری فطرتی است که در هر دو، موجود است. همانطور که انسان فطرتی دارد که در آن آگاهی به خیر و شر و راه سعادت و شقاوت نهاده شده است، همانطور حیوان هم به اندازهٔ خود فطرتی دارد که این امور در آن قرار داده شده است. همین فطرت و شعور، ملاک حشر انسان و حیوان در روز جزاست. اراده و اختیار و تکلیف از لوازم این آگاهی و فطرت است. حیوان هم مانند انسان کارهای خود را به اراده و اختیار انجام می‌دهد و جبری در کار نیست. وقتی عملی اختیاری شد، نسبت به آن مسئول است و باید در قیامت پاسخگو باشد. اثبات این امور برای حیوانات، دیدگاه و نحوهٔ تعامل ما با آنها را متحول کرده و رفتار ما با حیوانات را مسئولانه‌تر خواهد کرد. اگر ظلمی به آنها روا کنیم در روز قیامت که محشور می‌شوند، خصم ما خواهند بود و خداوند از ما برای آنها انتقام خواهد گرفت. چه بسا حیوانی وارد بهشت شود و انسانی به جهنم افکنده شود. تحقیقات جدید علمی نیز آگاهی و شعور حیوانات و عمل آگاهانهٔ آنها را تایید کرده و در حال بررسی میزان و نحوهٔ یادگیری حیوانات مختلف است.

کلید واژه‌ها: امّت، تشابه، آگاهی، حشر، انسان، حیوان.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، مرکز آموزش عالی اقلید، اقلید، ایران. (نویسنده مسئول)؛
Bordbar@eghlid.ac.ir
۲. استاد سطوح عالی حوزه علمیه شیراز، شیراز، ایران؛ Jazi87654321@gmail.com

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

۱. بیان مسأله

«وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِی الْأَرْضِ وَ لَا طَائِرٍ یَطِیرُ بِجَنَاحَیْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُکُمْ مَا فَرَّطْنَا فِی الْکِتَابِ مِنْ شَیْءٍ ثُمَّ إِلَی رَبِّهِمْ یُحْشَرُونَ.» (الأنعام، ۳۸)

خداوند حکیم در آیه فوق، پرده از واقعیتی برداشته است که از وجوه اعجاز علمی قرآن کریم محسوب می‌شود. در این آیه جنبندگان در زمین و پرندگانی که با دو بال خود در آسمان پرواز می‌کنند را، امّت‌هایی مانند بشر خوانده است. تفاسیر متفاوتی از آن ارائه شده است که با توجه به لوازم متفاوتی که دارند، دیدگاه و تعامل ما با حیوانات را متفاوت خواهند کرد. در این مقاله در پی آنیم تا با روش تحلیلی و با بررسی لغوی و تفسیری و همچنین توجه به یافته‌های علمی، معنایی روشن از این امّت بودن و لوازم آن ارائه داده تا زوایای پنهان آن آشکار گردد و به سؤالات زیر پاسخ دهیم:

۱. معنای امّت بودن حیوانات چیست؟

۲. لوازم آن کدام است؟

بدین منظور با مراجعه به لغتنامه‌های معتبر، در پی به دست آوردن معانی لغاتی رفتیم که در تعیین و تفسیر معنای آیه، نقش مهمی دارند. پس از آن با مراجعه به تفاسیر، احتمالات متعددی را که مفسرین بیان کرده‌اند، استخراج کرده و مورد بررسی قرار دادیم. هر چند که در این راستا به تفاسیر متعددی مراجعه کردیم که به برخی از آنها در خلال بحث اشاره می‌کنیم؛ اما در نهایت برای سهولت امر و جلوگیری از پراکندگی در پژوهش، تمرکز کار را بر دو تفسیر مفاتیح الغیب فخر رازی و المیزان علامة طباطبایی قرار دادیم که در واقع نمایندهٔ دو دیدگاه کلی در تفسیر آیه هستند و سایر مفسران کم و بیش در محدودهٔ همین دو دیدگاه قرار دارند. در پایان علاوه بر آراء مفسرین، یافته‌های علمی را نیز برای تایید معنای مورد نظر در تفسیر آیه، مورد توجه قرار دادیم.

۲. مقدمه

قبل از پرداختن به اصل مقاله ذکر چند نکته مقدماتی ضروی است:

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

۲-۱. اهمیت تحقیق

آمیختگی زندگی انسان با حیوانات و منافع بسیاری که حیوانات برای انسان دارند، موجب تعاملی قهری بین انسان و حیوان شده است؛ در این میان دیدگاه ما در مورد حیوانات، تاثیر بسزایی در نوع تعامل ما با آنها خواهد داشت. شناخت اینکه آیا حیوانات هم خوب و بد را درک می‌کنند یا نه؟ آیا آنها نیز تکلیف و مسئولیتی دارند یا نه؟ آیا ما در نحوه استفاده از آنها مسئولیتی داریم یا نه؟ علاوه بر اهمیت علمی که در شناخت زوایای پنهان و اسرار آیات قرآن کریم دارد، برای انسان متعهد مسئول، تکالیفی را به دنبال خواهد داشت که زندگی او را تحت تأثیر بسیاری قرار می‌دهد. از این‌رو اهمیت این پژوهش، در تأثیر مستقیمی است که نتایج حاصل از آن در زندگی انسان و نحوه‌های مختلف تعامل او با حیوانات دارد.

۲-۲. پیشینه و جنبه نوآوری

پیش از این مقالاتی در خصوص نظر علامه طباطبایی در تفسیر آیه فوق (حسینی، ۱۴۹-۱۷۴) و حشر حیوانات از منظر علامه و فخررازی (زینلی، ۳۱-۴۹) و حشر حیوانات از منظر عقل و نقل (لطیفی، ۸۷-۱۰۹) نگاشته شده؛ اما مقایسه تطبیقی با تفسیر فخررازی و یافته‌های علمی جدید و همچنین تمرکز ویژه بر لوازم موضوع بحث، از ویژگی‌های این پژوهش می‌باشد.

۲-۳. مفاهیم نظری

برای درک معنای آیه لازم است در ابتدا کلمات کلیدی و مؤثر در معنای آن را بررسی کنیم:

دابّه: از ریشه «دبب» و از باب (ضرب یضرب) به معنی راه رفتن به آرامی و سرعت نداشتن است.[۱] (فراهیدی، ۱۲/۸) بر مذکر و مؤنث اطلاق می‌شود و تاء آن دلالت بر

۱. خلیل در العین می‌نویسد: «دبَّ القومُ یَدِبُّونَ دبیبا إلی العدو أی مَشَوا علی هینتهم و لم یُسرِعوا... و کُلُّ شیءٍ ممّا خَلَقَ اللهُ یُسمّی دابةً، و الاسمُ العامُ الدابةّ لما یُرکَبُ».

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

وحدت دارد و برای تأنیث نیست. همهٔ جنبندگان و حیوانات حتی پرندگان را «دابّه» می‌نامند. (فراهیدی، ۱۲/۸)

ابن فارس نیز در مقاییس اللغه آن را، راه رفتنی آهسته‌تر از راه رفتن معمولی می‌داند و هر چه را بر زمین حرکت می‌کند «دابّه» می‌داند. (ابن فارس، ۲۶۳/۲) هرچند که دابّه در لغت به هر جنبنده‌ای اطلاق می‌شود؛ اما به طور متعارف در حیوانی که سواری می‌دهد خصوصاً اسب استعمال می‌شود. (راغب اصفهانی، ۳۰۶) حاصل سخن اهل لغت این است که لفظ «دابّه» بر همهٔ جنبندگان از عاقل و غیر عاقل، جنّ و انس و حیوان؛ زمینی، هوایی و دریایی اطلاق می‌شود و به عمومش همه را شامل می‌شود. (ابن منظور، ۳۷۰/۱)

طائر: اسم فاعل از «طار یَطیر» بر تمام گونه‌های پرندگان اطلاق می‌شود. (فیومی، ۳۸۲/۲) از آنجا که این ماده مجازاً در اموری که به سرعت و شتاب انجام می‌شود استعمال می‌گردد. (ابن فارس، ۴۳۵/۳)، قید «یطیر بجناحیه» را اضافه کرد تا مشخص شود در آیه شریفه، پرندگان اراده شده نه معانی مجازی.

اُمَم: جمع امّت به معنای گروه و جماعت است. لفظش مفرد و معنایش جمع است. به معنی طریقت و دین هم آمده است. (جوهری، ۱۸۶۳/۵) هر گروهی از مردم را امّت می‌نامند. همچنین هر قومی که به پیامبری نسبت داده می‌شود، امّت آن پیامبر است. (صاحب بن عباد، ۴۶۰/۱۰) حاصل سخن اهل لغت آن است که امّت، گروه و جمعیتی است که عقائد، منافع یا هر جهت مشترکی داشته باشند.

امثال: جمع «مِثل» به معنای شبیه و نظیر است. (حمیری، ۶۲۲۳/۹؛ ابن فارس، ۲۹۶/۵) هر چیزی که در اندازه، شکل، معنی یا هر جهت دیگری شبیه دیگری باشد، «مثل» آن است. (فراهیدی، ۲۲۸/۸؛ صاحب بن عباد، ۱۵۰/۱۰) اگر چیزی را به طور مطلق، مثل دیگری بدانیم یعنی شباهت در همه جهات دارند و اگر مثلیّت در جهت خاصی باشد، فقط در همان جهت شباهت دارند. (ابن منظور، ۶۱۰/۱۱)

یُحشَرون: از ماده «حَشر» به معنی جمع کردن به همراه برانگیختن و سوق دادن است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

(ابن فارس، ۶۶/۲؛ مصطفوی، ۲۲۳/۲) بنابراین هر جمع کردنی، حشر نیست بلکه بعد از جمع کردن باید آن‌جماعت را برانگیزد و به سمتی حرکت دهد؛ به همین خاطر راغب در مفردات، «حشر» را خارج کردن جماعتی از جایگاه خود برای انجام کاری دانسته است. (راغب اصفهانی، ۲۳۷) «حشر» در مفرد به کار نمی‌رود و تنها درباره جماعت به کار می‌رود. تثنیه و جمع هم بسته نمی‌شود چرا که در اصل مصدر است. (جوهری، ۶۳۰/۲) روز قیامت را «روز حشر» یا «محشر» می‌نامند. (فراهیدی، ۹۲/۳؛ ابن منظور، ۱۹۰/۴)

۳. بحث و بررسی

بعد از ذکر مطالب مقدماتی، باید دانست که در آیهٔ شریفه سه جمله وجود دارد که سهم هر کدام برای روشن شدن معنای آیه به یک اندازه نیست:

۱. وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِی الْأَرْضِ وَ لَا طَائِرٍ یَطِیرُ بِجَنَاحَیْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُکُمْ.

۲. مَا فَرَّطْنَا فِی الْکِتَابِ مِنْ شَیْءٍ.

۳. ثُمَّ إِلَی رَبِّهِمْ یُحْشَرُونَ.

جمله اول، بخش اصلی و تعیین کننده در معنای آیه است و جمله سوم، بسته به اینکه چه معنایی از آیه ارائه دهیم، مستقل یا قرینه بر مقصود از جمله اول است که در ادامه بحث روشن خواهد شد؛ اما جمله دوم چنانکه علامه طباطبایی بیان کرده، جمله‌ای معترضه است. (طباطبایی، ۸۱/۷) بنابراین نقش تعیین کننده در معنای آیه ندارد. در هر صورت در جمله اول، سخن از امّت بودن حیوانات مطرح شده است و حیوانات را دارای امّتها و اجتماعاتی مثل انسان، دانسته است. در اینکه این امّتها و اجتماعات حیوانی در چه جهت شبیه انسان هستند، خود آیه ساکت است و وجه شباهت را بیان نکرده است؛ به همین دلیل احتمالات و آراء متعددی در تفسیر این مثلّیت و شباهت مطرح شده است که فخررازی تا هشت قول را مطرح می‌کند. (فخررازی، ۵۲۴/۱۲) البته در اغلب موارد مشخص نمی‌کند که صاحبان این آراء چه کسانی هستند. برای روشن شدن مقصود از این احتمالات و اقوال،

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

آنها را با توضیحاتی از نگارنده نقل می‌کنیم و در ادامه به نظر علامه طباطبایی می‌پردازیم؛ همچنین اشکالاتی که در نظر نگارنده به برخی از این اقوال وارد است را ذکر می‌کنیم:

۳-۱. آراء ذکر شده در تفسیر فخر رازی

۱. از ابن عباس نقل کرده‌اند که شباهت و تماثل حیوانات با انسان در این است که آنها نیز مانند انسان، خداوند را به وحدانیّت می‌شناسند و او را تحمید و تسبیح می‌کنند. در نظر ابن عباس بر خلاف اینکه معمولاً حیوانات را بدون ادراک و شعور معرفی می‌کنند، وجه شباهت جوامع حیوانی با انسانی در شناخت و ادراک آنها نسبت به خداوند و تسبیح و تحمید اوست. به گفتهٔ فخر رازی بسیاری از مفسرین این قول را پذیرفته و آیات «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ» (الإسراء، ۴۴) و «كلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَ تَسْبِيحَهُ» (النور، ۴۱) و همچنین سخن گفتن حضرت سلیمان با مورچه و هدهد را که حاکی از شناخت و ادراک آنها از خداوند است را دلیل بر آن آورده‌اند. در این قول به ذیل آیه که در مورد حشر حیوانات است نیز توجه شده و روایاتی از رسول خدا (ص) در این باره نقل می‌کنند؛ روایتی نیز از ابن عباس نقل می‌کنند که حشر حیوانات را موت آنها ذکر می‌کند؛ اما بیش از این در مورد لوازم حشر حیوانات، سخن نمی‌گویند.

۲. قول دوم شباهت حیوانات با انسان را در این می‌داند که آنها نیز مانند انسان، گروه‌ها و جوامعی دارند و مانند انسان مخلوق خداوند هستند، بعضی به بعض دیگر شباهت دارند، با هم انس می‌گیرند و توالد و تناسل دارند. فخر رازی شباهت در این جهت را امری واضح و آشکار می‌داند که در بیان آن فائده‌ای نیست و حمل آیه بر این معنا را صحیح نمی‌داند.

۳. قول سوم شبیه قول دوم است و شباهت را در این می‌داند که حیوانات نیز مانند انسان، مخلوق خداوند هستند؛ تدبیر امور آنها و رزق و روزیشان به دست خداوند است. همان ایراد به این سخن هم وارد است.

۴. قول چهارم می‌گوید: همانطور که خداوند تمام احوال بشر از تولد تا مرگ، رزق و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

روزی و سعادت و شقاوت او را احصاء کرده است؛ همانطور همة این احوالات را برای حیوانات احصاء کرده است. صاحبان این سخن برای مدعای خود به بخشی از همین آیه؛ یعنی «مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» تمسک کرده‌اند و ذکر این فقره را بعد از «إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ» دلیل بر مدعای خود دانسته‌اند. این سخن نیز مانند دو سخن قبل، بیان واضحات است که در بیان آن فائده‌ای نیست.

۵. قول پنجم شباهت را در حشر حیوانات می‌داند و می‌گوید: حیوانات نیز مانند انسان، در روز قیامت محشور می‌شوند. اگر یکی حقی بر دیگری داشته باشد به حق خود می‌رسد. روایتی از رسولخدا نقل می‌کنند به این مضمون که در روز قیامت حیوان شاخداری که به حیوان دیگر ظلم کرده، قصاص می‌شود. از ظاهر عبارات فخر رازی برمی‌آید که این سخن، سخن قاضی است. (فخررازی، ۵۲۳/۱۲) و مراد از قاضی، همان قاضی عبدالجبار معتزلی است. (قاضی عبدالجبار، ۱۶۵) این سخن نزدیک به نظر علامة طباطبایی است. با این تفاوت که علامه شباهت را در حشر حیوانات نمی‌داند بلکه در چیزی می‌داند که حشر لازمة آن است.

۶. برای تبیین قول ششم که نظر خود فخر رازی هم هست، مقدمه‌ای لازم است و آن اینکه فخر رازی برای نظم آیات و ارتباط آیه مورد بحث با آیات قبل، دو احتمال مطرح می‌کند.

الف. یک احتمال که بسیاری از مفسرین هم آن را پذیرفته‌اند، این است که این آیه، ناظر به آیه قبل[۱] است. در آیه قبل مشرکین اعتراض می‌کنند که: چرا آیه و معجزه‌ای از طرف پروردگار نازل نمی‌شود؟ و پاسخ داده می‌شود که: خداوند قادر است که هر آیه‌ای را نازل کند. حال فخر رازی در توضیح معنای آیه می‌گوید: وجه شباهت حیوانات با انسان در این است که فضل و عنایت خداوند شامل همه آنها می‌شود و در این جهت جماعت‌ها و گروه‌های حیوانی مثل انسان هستند. خداوندی که این چنین فضل و عنایتش به انسان و حیوان می‌رسد، اگر در انزال آیات و معجزات دیگر، مصلحتی بود، حتما نازل می‌کرد.

---

۱. وَ قالُوا لَوْ لا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قادِرٌ عَلى أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً وَ لكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لا يَعْلَمُونَ (الأنعام، ۳۷)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

بنابراین مثلیت و شباهت حیوانات با انسان در این است کـه همـه مـورد عنایـت و فضـل خداوند هستند و اگر چیزی به مصلحت آنها باشد، خداوند دریغ نمی‌کند. چنانکـه ملاحظـه می‌شود ایراد سخن فخر رازی این است که برای دریافـت چنـین معنـایی از آیـه، «لـزوم مراعات مصلحت بندگان توسط خدایتعالی» باید در تقدیر گرفته شود و این معنایی زائـد و مخالف ظاهر آیه است که بنابراین قول، برآن تحمیل می‌شود. خود فخر رازی هـم متوجـه لزوم در تقدیر گرفتن آن بوده است و بر آن تاکید کرده است؛ چرا کـه بـدون آن، دریافـت چنین معنایی از آیه امکان ندارد. علاوه بر این، عدم توجه به ذیل آیه که از محشـور شـدن حیوانات خبر می‌دهد و نقش تعیین کننده در یافتن وجه شباهت مورد نظر آیه بین حیوان و انسان دارد، پذیرش این قول را با دشواری روبرو می‌کند. حاصل آنکه مخالفـت بـا ظـاهر آیه، نیاز به تقدیر در معنا و در نظر نگرفتن بخش پایانی آیه کـه از حشـر حیوانـات خبـر می‌دهد، از مشکلات این قول است.

ب. احتمال دومی که در وجه نظم آیه، مطرح است را فخر رازی به قاضی نسبت داده و چنانکه در قول پنجم گفتیم، مراد از این قاضی، قاضی عبد الجبـار معتزلـی اسـت. در هـر صورت قاضی معتقد است وجه نظم آیه این است که: همانطور که در دو آیة قبل[1] سـخن از بعث و حشر کفار در قیامت مطرح شده، خداوند در این آیه هم سـخن از حشـر حیوانـات مطرح کرده و حیوانات را در این جهت؛ یعنی حشر در قیامت، مانند انسـان دانسـته اسـت. (فخررازی، ۵۲۳/۱۲)

۷. قول هفتم را به سفیان بن عیینه نسبت داده‌اند. از او نقل کرده‌اند که بعد از قرائت آیـه گفت: هیچ انسانی نیست، مگر اینکه در او شباهتی به برخی حیوانات است. برخـی انسـانها مانند شیر حمله می‌کنند؛ برخی مانند گرگ دشـمنی مـی‌کننـد؛ برخـی ماننـد سـگ، زوزه می‌کشند؛ برخی مانند طاووس، خودنمایی دارند و برخـی ماننـد خـوک، مشـتاق کثافـات هستند و از غذای طیّب، پرهیز دارند. این قول خیلی از ظاهر آیه به دور است و درست در

---

۱. إِنَّما يَسْتَجِيبُ اَلَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَ اَلْمَوْتى يَبْعَثُهُمُ اَللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ. (الأنعام، ۳۶)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

نقطهٔ مقابل اوست. چرا که آیه از شباهت حیوانات به انسان سخن می‌گوید. آن هم شباهت جوامع حیوانی به جامعه انسانی نه افراد انسان؛ اما این قول از شباهت انسان به حیوان سخن می‌گوید آن هم شباهت افراد انسان به حیوان.

۹. قول هشتم را فخررازی از قائلین به تناسخ نقل می‌کند و می‌گوید که آنها این آیه را دلیل بر صحت تناسخ دانسته‌اند. (فخررازی، ۵۲۶/۱۲) اهل تناسخ معتقدند که روح انسان اگر مطیع خداوند بوده و سعادتمند باشد، بعد از مرگ به جسم پادشاهان حلول می‌کند یا وارد عالم ملائکه می‌شود و اگر شقی و بدبخت باشد، پس از مرگ به جسم حیوانات داخل می‌شود و هرچه شقی‌تر و بدبخت‌تر باشد به جسم حیوانات پست‌تری حلول می‌کند. حال اهل تناسخ معتقدند که آیه مورد بحث، دلالت بر شباهت حیوان با انسان دارد و مقصود آیه، شباهت در صفات ذاتی (انسانیت) است و در صفات عرضی (یعنی جسم و بدن) تفاوت دارند؛ به بیان دیگر ذات این حیوان، همان انسان است و فقط در جسم متفاوت هستند؛ این گرگی که می‌بینید همان انسان است که فوت کرده و روحش به بدن گرگ منتقل شده است. واضح است که بطلان تناسخ، بطلان این سخن را هم به دنبال دارد. علاوه بر اینکه آیه از شباهت میان حیوان و انسان سخن می‌گوید؛ اما ادعای اهل تناسخ به عینیت، نزدیکتر است. اصحاب تناسخ در ادامه مدعی هستند که همه حیوانات پروردگار خود را شناخته، راه سعادت و شقاوت را تشخیص می‌دهند (چون در واقع انسان هستند در بدن حیوان) و پیامبرانی از جنس خودشان برای آنها ارسال شده است. این همه را بنابر مشابهت ثابت شده بین حیوان و انسان در این آیه ادعا می‌کنند؛ چرا که این مطالب در مورد انسان ثابت و محقق است، پس برای حیوانات هم باید مثل انسان ثابت باشد. اساس سخن مدعیان تناسخ بر انکار معاد و حشر در روز قیامت استوار است. آیات بسیاری از قرآن که دلالت بر حشر در روز قیامت دارد، بطلان قول به تناسخ را روشن می‌سازد؛ از جمله در ذیل همین آیه مورد بحث، سخن از حشر و رستاخیز مطرح شده است.

این‌ها اقوالی بود که فخر رازی در تفسیر بخش اول آیه، ذکر کرده است. همه آنها دارای

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

مشکلاتی بود که ذکر شد؛ علامه طباطبایی نیز برخی از این اقوال را ذکر کرده است. یک اشکال مهم که به همه آنها غیر از قول پنجم وارد است این است که صدر و ذیل آیه را جدای از یکدیگر در نظر گرفته‌اند؛ در حالی که ظاهر آیه این است که اینها قرینه بر یکدیگرند و در تفسیر مراد از آیه نقش دارند. نکتهٔ دیگر آنکه فخر رازی در تفسیر «حشر» در ذیل آیه، هر چند که حشر حیوانات را می‌پذیرد؛ اما درباره خصویات و لوازم حشر سخنی از خود ندارد؛ تنها مطالبی از قاضی عبدالجبار معتزلی در مورد اینکه حشر حیوانات آیا به خاطر عوض دادن به آنهاست یا نه؟ آن عوض آیا دائم است یا منقطع؟ نقل می‌کند و خود با عبارت «والله اعلم» از کنار آنها می‌گذرد. (فخر رازی، ۵۳۰/۱۲)

۳-۲. نظر علامه طباطبایی در تفسیر آیه

علامه طباطبایی در تفسیر آیه دقیق‌تر عمل کرده و سعی دارد با حفظ انسجام آیه، معنای آن را روشن سازد. (طباطبایی، ۷۳/۷) ایشان جهت اشتراک جوامع حیوانی با انسان را در این نمی‌داند که آنها هم جمعیت و عددی دارند، زیرا که صرف داشتن جمعیت و تعداد برای امّت بودن و جامعه بودن کافی نیست؛ بلکه آن جمعیت باید جهت جامعی داشته باشد که مقصود و مقصد آنها باشد. فرقی ندارد که به اختیار خود آن مقصد را انتخاب کرده باشند یا به اجبار و اضطرار به آن مقصد، سوق داده شوند. همچنین شباهت از این جهت هم نیست که حیوانات انواعی دارند و هر نوعی برای خود نحوه خاصی از حیات، ارتزاق، آمیزش، فرزند پروری، لانه‌سازی و سایر امور دارد؛ هر چند که این جهت برای شباهت با انسان کافی است؛ اما با توجه به عبارت «ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ» در ذیل آیه معلوم می‌شود که آن جهت جامع و مشترک چیزی است که موجب شده حیوانات هم مانند انسان، در پیشگاه خداوند محشور شوند. حال باید دید آن جهتی که ملاک حشر انسان در روز قیامت در پیشگاه خداوند است، چیست؟ تا بعد از آن، حکم به شباهت حیوانات با انسان در آن جهت کنیم. علامه طباطبایی ملاک حشر انسان را نوعی زندگانی آگاهانه می‌داند. ایشان

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

معتقد است که انسان در نهاد خویش از نوعی شعور و آگاهی نسبت به سعادت و شقاوت خویش برخوردار است. این شعور و آگاهی که به آن «فطرت انسانی» نیز می‌گویند به همراه دستورات و راهنمایی‌های پیامبران در خارج، یک سبک زندگی را در پیش روی انسان قرار می‌دهد که در آن عقائد و اعمالی که سعادت و شقاوت انسان در آنهاست را ترسیم کرده است. اگر فرد یا جامعه بر طبق آنها عمل کند، در دنیا و آخرت سعادتمئد و در غیر این صورت، بدبخت خواهد شد. دعوت به خیر و عدل و دوری از شر و ظلم، دو رکن اساسی در این سبک زندگی می‌باشد. هر انسانی به فطرت خود، اموری مانند عدالت در حق خود و دیگری را نیکو شمرده و ظلم به خود و دیگری را ناپسند می‌داند، شریعت نیز همین حکم را تایید می‌کند.(طباطبایی، ۷۳/۷) حاصل آنکه انسان بر اساس فطرت و آموزه‌های دینی، عقائد و آرائی دارد که حرکات وسکنات خود را بر طبق آن، انجام می‌دهد.

حال ایشان معتقد است که تفکر در زندگی حیواناتی که در شئون مختلف زندگی خود با آنها سر و کار داریم و توجه به رفتارهای مختلفی که حیوانات در مسیر زندگی خود به کار می‌برند، ما را به این مطلب می‌رساند که آنها نیز مانند انسان دارای عقائد و آراء اجتماعی و فردی هستند و رفتار و حرکات خود را بر طبق آن انجام می‌دهند. همانطور که انسان وقتی خود را محتاج به غذا، ازدواج، خانه و سایر نیازهای مادی می‌بیند، بی درنگ حکم می‌کند که باید به دنبال رفع آنها برآید و وقتی ظلم و فقر را ناخوش می‌دارد، حکم می‌کند که نباید تحت ظلم و فقر زندگی کرد و در ادامه رفتار و تلاش خود را در آن جهت به کار می‌برد؛ حیوانات نیز وقتی خود را محتاج به این امور می‌بینند برای رفع نیازهای خود درنگ نمی‌کنند و رفتارها و شیوه‌هایی که در تامین نیاز خویش به کار می‌برد، شکی باقی نمی‌گذارد که آنها را بر طبق عقائد و آرائی انجام می‌دهد. (طباطبایی، ۷۴/۷) حاصل آنکه حیوانات نیز به اندازه خود دارای شعور و آگاهی نسبت به خیر و شرّ و سعادت و شقاوت خویش هستند. خوب و بد را بر طبق عقیده و نظر فردی و اجتماعی که دارند، درک می‌کنند و بر طبق آن رفتار می‌کنند؛ چه بسا فردی از نوعی حیوانی در مواجهه با

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

وضعیتی واکنشی متفاوت از فرد دیگر از همان نوع داشته باشد. حال که خوب و بد را درک می‌کنند به اندازه درک و شعور خود نسبت به آن مسئول هستند. اگر به حیوان یا انسانی دیگر ظلم کرده باشند، در قیامت جزای ظلم خود را خواهند دید. «و گرنه اگر دارای آن احکام نبودند، و خوب و بد و عدالت و ظلم سرشان نمی‌شد، می‌بایستی همه، مثل هم باشند، و حال آنکه می‌بینیم این اسب با آن اسب و این قوچ با آن قوچ و این خروس با آن خروس در تندخلقی و نرمی، تفاوت فاحش و روشنی دارند، و همچنین در جزئیات دیگری از قبیل حبّ و بغض و مهربانی و قساوت و رامی و سرکشی و امثال آن، همین اختلافات را مشاهده می‌کنیم. و این اختلافات خود مؤید این معنا است که حیوانات هم مثل انسان احکامی دارد، خیر و شر و عدالت و ظلم را تشخیص می‌دهد، چطور شد که ما اختلاف افراد انسان را در اینگونه اخلاقیات، دلیل بر اختلاف عقاید و آراء وی و تشخیص خوب و بد و عدالت و ظلم در افعالش می‌دانیم، و می‌گوئیم که نه تنها این اختلاف در زندگی دنیایی وی تاثیر دارد، بلکه در سعادت و بدبختی اخرویش نیز مؤثر است، چون ملاک خوبی و بدی در قیامت و حساب اعمال و استحقاق کیفر و پاداش همین «عدالت» و «ظلم» است، آن وقت، همین سخن را درباره حیوانات نگوییم، و نگوییم که حیوانات هم مانند انسان حشری دارند؟» (طباطبایی، المیزان، ۱۰۶/۷)

حاصل سخن علامه آن است که همانطور که انسان دارای فطرتی است که او را به خیر و خوبی رهنمون و از شر و بدی باز می‌دارد، حیوان نیز در حد خود، چنین نهاد و فطرتی دارد و در حد شعور و آگاهی خود، خیر و شر را تشخیص می‌دهد. همین آگاهی و شعور و به تعبیر دیگر «فطرت حیوانی» ملاک حشر او در رستاخیز است. این نوع از آگاهی شناخت حیوان از خداوند و تعامل او با سایر موجودات را در زندگی فردی و اجتماعی حیوان، پایه گذاری می‌کند.

٤. لوازم شعور و فطرت حیوانی

باید دانست که لازمه این آگاهی، اختیار حیوان و لازمه این اختیار، تکلیف اوست.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

علامه طباطبایی مفصّل در مورد اختیار حیوان، صحبت می‌کند و با پاسخ دادن به ایراداتی که بر آن وارد می‌شود، آن را اثبات کرده و می‌پذیرد. (طباطبایی، ۷۸/۷) البته ایشان تصریح می‌کند که حیوان از اختیار کاملی در حد اختیار انسان، برخوردار نیست؛ اما این مسأله، اصل اختیار حیوان را منتفی نمی‌کند. ایشان بعد از پذیرش اختیار برای حیوان، تکالیفی مناسب با آن اختیار را برای حیوان می‌پذیرد. به طوری که اگر به آن تکالیف عمل کند، پاداش و اگر مخالفت کند، در قیامت عقاب خواهد شد. (طباطبایی، ۸۱/۷) خود آیه هم از آنجا که دلالت بر مثلیّت حیوانات با انسان می‌کند، چنین اقتضایی دارد و دلالت دارد که حیوان هم مانند انسان، اراده و اختیار و تکلیف دارد. وقتی تکلیف داشته باشد و نسبت به اعمال و رفتار خود مسئول باشد، قهراً در برابر کارهای خیر، پاداش و در برابر کارهای شر، مجازات خواهد شد. (صادقی تهرانی، ۱۴/۱۰) از آنجا که دنیا ظرف پاداش ومجازات اعمال نیست، باید در قیامت محشور شود و جزای اعمال خوب و بد خود را ببیند. این همان مطلبی است که در ذیل آیه شریفه با عبارت «**ثم الی ربهم یحشرون**» به آن تصریح شده است و آیه «**اذ الوحوش حشرت**» نیز قریب به همین مضمون را افاده می‌کند. حال که معلوم شد حیوانات نیز مانند انسان دارای فطرت یا به تعبیر دیگر، شعور و آگاهی نسبت به خیر و شر اعمال و رفتارهای خود هستند و دارای اختیار بوده و مکلف هستند، سوالاتی مطرح می‌شود که علامة طباطبایی برخی از آنها را مطرح کرده و پاسخ‌هایی نیز به برخی از آنها داده است. نگارنده نیز برخی سؤالات دیگر را مطرح کرده است و سعی کرده پاسخی برای آنها بیابد.

۱. اگر تکلیف دارند چه کسی تکلیف را برایشان بیان می‌کند؟ آیا آنها نیز پیامبری دارند و این تکالیف، توسط پیامبرانی برای آنها بیان شده؟ یا تکالیف و دستورات آنها در همان فطرت حیوانی نهادینه شده است؟

۲. اگر پیامبرانی دارند، آیا از جنس خودشان است؟ یا پیامبر آنها همان پیامبر جن و انس است؟

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

پاسخ علامه طباطبایی به این دو سوال این است که این جهات از زندگی حیوانات برای ما ناشناخته است و بشر هنوز نتواسته پرده از این مطالب در عالم حیوانات بردارد. از ظاهر آیات و روایات هم چیزی استفاده نمی‌شود؛ بنابراین صحبت در این امور، بی فایده و تیر انداختن در تاریکی است. (طباطبایی، ۷۸/۷) این پاسخ هر چند که از جهت محدودیت علم بشر صحیح است؛ اما از جهت ظاهر آیات و روایات، ذهن پژوهنده را آرام نکرده و او را از جولان برای یافتن پاسخ باز نمی‌دارد. به نظر نگارنده بنابر تفسیر قرآن به قرآن، طبق آیه

الف. «وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ» (فاطر، ۲۴)

ب. و آیه «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ» (النساء، ۴۱)

ج. و آیه «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (یونس، ۴۷)

باید گفت که آنها هم پیامبرانی دارند؛ چرا که آیه اول در مقام حصر است و با «ان» نافیه و «الا» دلالت دارد که هیچ امّتی نیست، مگر اینکه پیامبری هشدار دهنده در آن بوده است. دلیلی هم نداریم که این حصر را به امّت‌های انسانی، اختصاص بدهد. دو آیه دیگر هم دلالت دارد که همه امّت‌ها، رسول و شاهدی بر اعمالشان دارند؛ اما در جواب این سؤال که آیا این پیامبر از جنس خود آنهاست یا از جنس بشر است؟ می‌توان به آیه «وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ» (النحل، ۸۹) مراجعه کرد. با توجه به اینکه لفظ «کلّ» در آیه دلالت بر استغراق دارد و دلیلی هم به اختصاص به امّت‌های انسانی نداریم، باید گفت که آیه شامل همه امّت‌ها حتی امّت‌های حیوانی هم می‌شود. در ادامه قید «من انفسهم» دلالت دارد که آن شاهد (پیامبر) از جنس خود آن امّت است.

۳. آیا آنها هم بهشت و جهنم دارند؟

۴. آیا بهشت و جهنم آنها، همان بهشت و جهنم انسان است؟

علامه به‌طور صریح از بهشت و جهنم حیوانات نام برده و معتقد است آنها محشور می‌شوند و جزای اعمالشان را می‌گیرند و اساساً معنای حشر را همین می‌داند. (طباطبایی، ۷۵/۷) توجه به این مطلب از این جهت اهمیت دارد که بسیاری از مفسرین از ابن‌عباس

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

نقل کرده‌اند که حشر حیوانات مرگ آنهاست. (ثعلبی، ۱۴۷/۴) چنانکه ملاحظه می‌شود این سخن از اساس، حشر در روز قیامت را برای حیوانات، انکار می‌کند. در روایتی دیگر از ابو هریره نقل می‌کنند که حیوانات محشور شده، حق مظلوم از ظالم ستانده می‌شود و بعد تبدیل به خاک می‌شوند. (ثعلبی، ۱۴۷/۴)) این سخن هرچند حشر در قیامت را می‌پذیرد؛ اما از بهشت و جهنم سخنی نمی‌گوید؛ بلکه ظاهر آن، انکار بهشت و جهنم حیوانات است. در هر صورت از آیات قرآن استفاده می‌شود که حشر برای این است که ستمکار در جهنم عذاب و نیکوکار در بهشت بهره‌مند گردد. (الجاثیه، ۲۸) از برخی روایات هم استفاده می‌شود که حیوانات بهشت دارند و قهراً جهنم هم خواهند داشت؛ چرا که در روایتی وارد شده از حیوانات به بهشت وارد نمی‌شود؛ مگر الاغ بلعم باعور، سگ اصحاب کهف و گرگی که ظالمی را داغدار کرده بود. (حویزی، ۷۱۶/۱)

از این روایات می‌توان استفاده کرد که آنها بهشت و جهنم دارند؛ اما آیا بهشت و جهنم آنها همان بهشت و جهنم انسان است؟ به نظر نگارنده با توجه به مسأله تجسم اعمال که حقیقت بهشت و جهنم را ترسیم می‌کند، پاسخ این سؤال را می‌توان یافت. بنابر تجسم اعمال بهشت و جهنم جایی در آسمان نیست که از قبل آماده باشد و شخص داخل آنها شود بلکه شخص با عمل خود در طول زندگی، بهشت و جهنم خود را می‌سازد. عمل انسان در قیامت به صورت بهشت و جهنم، تجسم خارجی پیدا می‌کند. (حسن‌زاده آملی، ۷۸۹) بنا بر تجسم اعمال، بهشت و جهنم هر کس تجسم اعمال خود اوست و هیچکس در بهشت و جهنم دیگری وارد نمی‌شود. البته مسأله تجسم اعمال هیچ منافاتی با معاد جسمانی ندارد، بلکه به تعبیر امام خمینی مؤکد آن است؛ (خمینی، ۴۳۷) بنابراین همانطور که اعمال انسان و حیوان متفاوت است، بهشت و جهنم آنها هم، متفاوت است. برخی از نعمتهایی که برخی از مؤمنین در بهشت دارند برای حیوان قابل تصور و دسترسی نیست؛ حیوان درکی از «حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ» (الرحمن، ۷۲) ندارد. نکته‌ای که علامه تذکر می‌دهد و نباید از آن غافل شد، این است که مشارکت حیوانات با انسان در مسأله حشر و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

معاد به این معنا نیست که حیوان از شعور و اراده‌ای مساوی با انسان برخوردار است و بتواند مانند انسان، تمام مراحل کمال و معنویات را بپیماید، حتی افراد انسان هم در این جهت با هم مساوی نیستند. (طباطبایی، ۷۷/۷) بلکه بدین معناست که جوامع حیوانی نیز مانند جامعه انسانی به دلیل شعور و آگاهی که در نهاد و فطرت آنهاست، قابلیت و صلاحیت امر و نهی و دارا بودن دین الهی را دارند و همین امر زمینه را برای حشر آنها در روز قیامت و حساب و کتاب آنها فراهم می‌کند؛ هر چند که معرفت و شعور حیوان به گستردگی انسان نیست و جزئیات معارف انسانی به او عنایت نشده و در نتیجه تکالیف الهی او نیز در حد تکالیف انسان نیست. (طباطبایی، ۷۸/۷)

۵. آیا حیوانات هم در قلمرو وسوسه شیطان قرار دارند و شیطان آنها را هم وسوسه می‌کند؟

علامه متعرض این سؤال نشده است. آنچه در پاسخ به این سؤال به ذهن می‌رسد، این است که تاکنون ثابت شد حیوان هم به اندازه خود، خوب و بد را می‌فهمد و با اراده و اختیار خود دست به انتخاب می‌زند؛ بنابراین باید گفت زمینه برای وسوسه چنین موجودی که دارای حق انتخاب است، فراهم است. به تعبیر دیگر وسوسهٔ کردن حیوان توسط شیطان، هم امکان ذاتی دارد و هم امکان وقوعی دارد؛ یعنی از منظر عقل نه مستلزم محال ذاتی است، نه وقوع آن در خارج محال است؛ اما سخن در این است که آیا در خارج، واقع هم شده؟ و آیا شیطان چنین اجازه‌ای هم دارد؟ آنچه از آیات قرآن به دست می‌آید، در مورد سجده نکردن شیطان به انسان و رانده شدن شیطان و قسم خوردن او برای گمراه کردن انسان و فرزندان انسانست (الحجر، ۴۰-۲۸) و سخنی در مورد اغواء کردن حیوانات مطرح نشده است. البته مطرح نشدن به معنی نبودن نیست. در نهایت آنچه می‌توان گفت این است که آیات قرآن از این مطلب، ساکت است؛ هرچند که زمینهٔ وسوسه در حیوان فراهم است.

۵. روایات مرتبط با بحث

توجه به روایاتی که در رابطه با آیه وارد شده و مفسرین هم آن‌ها را ذکر کرده‌اند در

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

فهم بهتر معنای آیه، مؤثر است.

۱. در روایتی نقل شده که «در روز قیامت از حیوان شاخدار به نفع حیوان بی شاخ انتقام گرفته می‌شود.» (ابوالفتوح رازی، ۲۸۲/۷) قهراً مقصود این است که آن حیوان شاخدار، ظلمی به دیگری روا داشته است.

۲. در روایتی دیگر ابوذر نقل می‌کند: در محضر رسول خدا (صلوات الله علیه) بودیم که دو بز ماده با هم درگیر شدند. حضرت پرسید: می‌دانید که برای چه به هم شاخ می‌زنند؟ اصحاب جواب منفی دادند. رسول خدا فرمود: خداوند می‌داند و به زودی میان آنها قضاوت خواهد کرد. (ثعلبی، ۱۴۷/۴)

۳. در احادیث شیعی هم در این زمینه، روایاتی وارد شده که در یکی از آنها رسول خدا شتری را در حالی که بار و بنه آن را پیاده نکرده بودند، بسته دید. حضرت فرمود صاحب این شتر کیست؟ به او بگویید که فردای قیامت، آماده خصومت باشد. (حویزی، ۷۱۵/۱) بنابراین روایت، آن شتر در قیامت خصم صاحب خود خواهد بود؛ پس باید محشور شود تا بتواند حق خود را بگیرد.

۴. از امام صادق علیه السلام نقل شده که هر شتری که با آن سه سال (و در بعضی نقل‌ها هفت سال) حج به جا آورده شود، خداوند آن را از چهارپایان بهشت قرار می‌دهد. (حویزی، ۷۱۵/۱)

۵. امام سجاد علیه‌السلام هنگام وفات به امام باقر علیه السلام فرمود: من با این شتر بیست مرتبه به حج رفته‌ام و حتی یک مرتبه به او تازیانه نزده‌ام. هر وقت مُرد او را دفن کنید تا بدنش طعمهٔ درندگان نشود. زیرا رسول خدا فرموده است: هر شتری که هفت مرتبه در موقف عرفات حاضر باشد، خداوند او را از چهار پایان بهشت قرار داده و نسلش را پر برکت می‌کند. (حویزی، ۷۱۵/۱)

از این روایات هم روشن می‌شود که حیوانات هم در قیامت محشور می‌شوند، حساب و کتاب دارند و بعد از آن بهشت و دوزخی در انتظارشان است. ریشه تمام این مطالب،

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

آگاهی و شعور مشترک بین انسان و حیوان و لوازم آن است. پرده برداری از این میـزان از شعور و آگاهی در حیوانات که اختیار، تکلیف و حشر آنها را به دنبال دارد، یکی از وجـوه علمی اعجاز قرآن کریم است. پژوهشگران نیز در سالهای اخیر با بررسی رفتارهای مختلف حیوانات به یافته‌های تازه‌ای در خصوص شعور و آگاهی حیوانات دست پیدا کرده‌انـد کـه تایید کننده این اعجاز قرآنی است. در ادامه به بخشی از آنها اشاره می‌کنیم.

۶. یافته‌های علمی پیرامون آگاهی حیوانات

دنیـای اعجـاب‌انگیـز و پـر از اسـرار حیوانـات همـواره مـورد مطالعـه دانشـمندان و پژوهشگران بوده است. ذهن پرسش‌گر و کنجکاو پژوهشگر به دنبـال کشـف پاسـخ بـرای مسائل زیست‌شناختی حیوانات بوده است. بحث درباره آگاهی حیوانات، علمی نـو ظهـور است.(Birch J& others, 798) دانشمندان به دنبال پاسخ برای پرسش‌هایی در مورد آگـاهی حیوانات بوده‌اند و در آثار علمی بین‌المللی مقالاتی در این باره بـه چـاپ رسـانده‌انـد. در سال ۲۰۱۲، اعلامیه کمبریج در مورد آگاهی، یک اجماع علمی را متبلـور کـرد مبنـی بـر اینکه انسان‌ها تنها موجودات آگاه نیستند و «حیوانات غیرانسانی، از جمله همه پستانداران، پرندگان، و بسیاری از موجودات دیگر، از جمله اختاپوس‌ها» دارای زیرلایه‌های عصبی به اندازه کافی پیچیده‌ای هستند که از تجربیات آگاهانه، پشتیبانی می‌کنند. این اجماع، بحث‌ها در مورد آگاهی حیوانات را از سوال قدیمی اینکه آیا حیوانات غیرانسانی، آگاه هسـتند یـا خیر؟ به سمت این سوال که کدام حیوانات آگاه هستند و تجربیات آگاهانه آنها چه شـکلی دارد؟ سوق داد. (Birch J& others, 798) . اعلامیه کمبـریج در مـورد آگـاهی، توسـط ۲۲ دانشمند علوم اعصاب امضا شـد. در سـال ۲۰۲۴، اعلامیـه نیویـورک در مـورد «آگـاهی حیوانات» توافق گسترده‌ای را اعلام کرد که حمایت علمـی قـوی بـرای انتسـاب «تجربـه آگاهانه به سایر پستانداران و پرندگان» و حداقل یک احتمال واقع‌بینانه از تجربـه آگاهانـه در همه مهره‌داران (از جمله خزندگان، دوزیستان و ماهی‌ها) و بسـیاری از بـی‌مهرگـان (از

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

جمله، حداقل، نرم‌تنان سفالوپود، سخت‌پوستان ده‌پا و حشرات) وجود دارد. بیش از ۵۰۰ دانشمند و فیلسوف در هفته‌های پس از انتشار اعلامیه نیویورک، آن را امضا کردند. (Allen & Trestman, chapter 5)

موضوع آگاهی حیوانات به طیف گسترده‌ای از علوم از جمله فلسفه علم و پزشکی، فلسفه ذهن، روانشناسی و روانپزشکی، فلسفه دین و اخلاق مرتبط است. (Allen & Trestman, chapter 5) دانشمندان در حوزه های مختلف علمی به مطالعه و پژوهش درباره آگاهی حیوانات پرداخته‌اند. در ۵ سال گذشته، گروهی میان‌رشته‌ای از محققان آگاهی حیوانات، متشکل از علوم اعصاب، زیست‌شناسی تکاملی، روانشناسی تطبیقی، علوم رفاه حیوانات و فلسفه، شروع به پژوهش کردند و نتیجه تحقیقات خود را با تأسیس مجله *Animal Sentience* در سال ۲۰۱۶ نشان دادند. (Hamad S,) هدف این حوزه، مطالعه زندگی درونی حیوانات (تجربیات و احساسات ذهنی آنها) به روشی علمی و دقیق، بر اساس مدل مطالعه علمی «آگاهی انسان» است.

مطالعه آگاهی حیوانات با چالش‌های روش‌شناختی قابل توجهی روبروست؛ زیرا افراد غیرانسانی نمی‌توانند تجربیات خود را به صورت شفاهی گزارش دهند؛ اما اگر تصور شود فقدان گزارش شفاهی مانع هرگونه بررسی علمی در مورد آگاهی حیوانات است، باید همین فقدان گزارش را در مورد آگاهی در نوزادان پیش از تکلم و بیماران در حالت هوشیاری حداقلی، مانع دانست، در حالی که چنین نیست. تحقیقات در مورد آگاهی حیوانات بر این ایده استوار است که با ترکیب بینش‌ها و روش‌های رشته‌های مختلف و با شناسایی مجموعه‌ای از معیارهای رفتاری، شناختی و عصبی برای نسبت دادن حالات هوشیاری، می‌توان بر این چالش‌ها غلبه کرد. (Birch J& others, 799) فهمیدن اینکه چگونه ظرفیت مثبت و منفی در یک حیوان تولید می‌شود؟ و چگونه این فرآیندها در گونه‌های مختلف متفاوت است؟ هدف اصلی تحقیقات «آگاهی حیوانات» است. با فرض اینکه همه حیوانات آگاه، دارای یک سیستم ارزیابی هستند، هنوز جایی برای درجه‌بندی پیچیدگی‌ها وجود دارد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

برخی از حیوانات ممکن است دائماً در حال ارزیابی تغییرات کوچک در حالات داخلی و محیط خارجی خود باشند، همانطور که ما انجام می‌دهیم، در حالی که برخی دیگر ممکن است فقط به تغییرات اساسی‌تر پاسخ دهند. (Birch & others, 800)

پروفسور میشل ترستمن[۱] و دکتر کالین آلن[۲] در کتاب خود این دیدگاه را رد می کنند که آگاهی وجه تمایز انسان و حیوان باشد. وی می‌گوید: «فلسفه اغلب با پرسش‌هایی در مورد جایگاه انسان در طبیعت آغاز می‌شود. یکی از راه‌هایی که انسان‌ها تلاش کرده‌اند جایگاه خود را پیدا کنند، مقایسه با سایر حیوانات است.» آنان با توجه به بیانِ کتاب مقدس، که همه حیوانات از طریق خلقت الهی پدید آمده‌اند؛ اما فقط انسان‌ها شبیه خدا آفریده شده‌اند (نامعلوم، ۲۰۰۷، سِفر پیدایش، 1: 26&27) می‌گوید:

«دیدگاه تکاملی در مورد همه اینها تردید ایجاد می‌کند و گونه انسان را به عنوان نوک یک شاخه از درخت زندگی که از هیچ جایگاه ویژه‌ای برخوردار نیست، از نو تعریف می‌کند. برخی می‌خواستند استدلال کنند: شاید «آگاهی» همان چیزی است که انسان را از بقیه طبیعت متمایز می‌کند. با این حال، شواهد تجربی این دیدگاه را به طور فزاینده‌ای غیرقابل دفاع کرده است» (Allen & Trestman, chapter 5)

آزمایش‌هایی که در حوزه آگاهی انسان انجام شد، الهامی برای محققان بود تا همان پرسش‌ها را در سطحی متفاوت در حوزه حیوانات غیر انسانی مطرح کنند و پاسخی برای آن بیابند. دکتر ترستمن و همکارش بر این باورند که برخی حیوانات دارای آگاهی هستند و میزان شعور و آگاهی حیوانات متفاوت است. (Allen & Trestman, chapter 5)

واندری[۳] و هالینا[۴] در مقاله «تکامل آگاهی حیوانات»، آگاهی را یکی از بحث

---

۱. Michael Trestman، فیلسوف و محقق مستقل در حوزه فلسفه و علوم شناختی، وی به مدت ۲۰ سال درباره «آگاهی» مطالعه و تدریس داشته است.

۲. Colin Allen استاد ممتاز در دانشگاه کالیفرنیا، سانتا باربارا، تخصص وی فلسفه علوم شناختی، ذهن حیوانات، تکامل شناختی، اخلاق ماشینی و علوم انسانی محاسباتی است.

۳. Mona-Marie Wandrey، پزشک عمومی از دانشگاه شاریته برلین، دکترای فلسفه علم از دانشگاه کمبریج.

۴. Marta Halina، فارغ التحصیل دانشگاه سن دیگو، کالیفرنیا و استاد دانشگاه کمبریج.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

برانگیزترین مباحث در فلسفه ذهن و علوم شناختی ذکر می‌کنـد . آنـان پـس از آن کـه از تکاملی بودن آگاهی حیوانات سخن می گویند به این مطلب اشاره دارند که شناخت مـا از آگاهی حیوانات، پیامدهای اخلاقی قابل توجهی برای نحوه رفتار ما با حیوانات غیرانسانی دارد. (Wandrey, 1)

در پیمان عملکرد اتحادیه اروپا، حیوانات به عنوان موجودات ذی‌شعور شـناخته شـده است. ماده ۱۳ این پیمان ادعا داشته، کشورهای عضو بـه الزامـات رفـاهی حیوانـات بایـد توجه کامل داشته باشند. (نسخه تلفیقی پیمان عمل‌کرد اتحادیه اروپا بخش اول، مـاده ۱۳) افزون بر نظرات کامل و جامع دین اسلام، در سایر ادیان ابراهیمی شعور و آگاهی حیوانات مطرح شده است. پاپ فرانسیس صراحتاً «انسان‌محـوری اسـتبدادی» را رد مـی‌کنـد. وی استدلال کرد که حیوانات غیرانسانی ظرفیت رنـج کشـیدن، خودمختـاری ذاتـی، هـدف و قدرت معنوی (توانایی ارتباط با خدا) را دارند و افزود که بنابراین انسان‌ها مستقیماً به آنهـا تعهدات اخلاقی دارند. (فرانسیس به نقل از Allen & Trestman, chapter 5).

۷. نتایج مقاله

۱. در نظر فخررازی صدر این آیه ناظر به آیة قبل است و در صدد بیـان آن اسـت کـه چرا خداوند درخواست مشرکان را برای انزال آیات و معجزات نمی‌پذیرد. در نظر او مثلیت و شباهت حیوانات با انسان در این است که همه مورد عنایت و فضل خداوند هستند و اگر چیزی به مصلحت آنها باشد، خداوند دریغ نمی‌کند.

۲. هرچند فخر رازی حشر در ذیل آیه را می‌پذیرد؛ امـا دربـارة خصوصـیات و لـوازم حشر، سخنی از خود ندارد. تنها مطالبی از قاضی عبدالجبار معتزلی در مورد اینکـه حشـر حیوانات آیا به خاطر عوض دادن به آنهاست یا نه؟ آن عوض آیا دائم است یا منقطع؟ نقل می‌کند و خود با عبارت «والله اعلم» از کنار آنها می‌گذرد. کـه نشـان دهنـدة تردیـد او در پذیرش لوازم حشر حیوانات است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

۳. از منظر علامه طباطبایی همانطور که انسان فطرتی دارد که در آن شعور و آگاهی به خیر و شر و راه سعادت و شقاوت نهاده شده است، همانطور حیوان هم به اندازه خود فطرتی دارد که این امور در آن قرار داده شده است. همین فطرت و آگاهی که پژوهش‌های علمی نیز آن را تایید می‌کند، ملاک حشر انسان و حیوان در روز جزاست.

۴. اراده، اختیار و تکلیف از لوازم این فطرت است؛ یعنی حیوان مانند انسان، کارهای خود را به اراده و اختیار انجام می‌دهد و جبری در کار نیست. وقتی عملی اختیاری شد نسبت به آن مسئول است و باید در قیامت پاسخگو باشد. بنابراین از نظر علامه، آیه مستقل از آیه قبل، معنا می‌شود و از آیاتی است که دلالت بر رستاخیز همه موجودات زنده دارد. این رستاخیز عام، دلالت بر وجود میزانی از شعور و آگاهی در حیوان است، این شعور و آگاهی نسبت به خیر و شر که در نهاد حیوان است و فطرت حیوانی نامیده شد، منشأ اختیار و مسئولیت و تکلیف داشتن حیوانات و در ادامه، حشر آنها در قیامت خواهد بود.

۵. برانگیخته شدن در قیامت برای حساب و کتاب، مستلزم اثبات بهشت و دوزخ برای حیوانات خواهد بود.

۶. اثبات این امور برای حیوانات دیدگاه و نحوه تعامل ما با آنها را متحول کرده و رفتار ما با حیوانات را مسئولانه‌تر خواهد کرد. اگر ظلمی به آنها روا کنیم در روز قیامت که محشور می‌شوند، خصم ما خواهند بود و خداوند از ما برای آنها انتقام خواهد گرفت. چه بسا حیوانی وارد بهشت شود و انسانی به جهنم افکنده شود.

۷. یافته‌های نوین علمی نیز آگاهی حیوانات را تایید کرده و به این مطلب اشاره دارند که شناخت ما از آگاهی حیوانات، پیامدهای اخلاقی قابل توجهی بر نحوه رفتار ما با حیوانات غیرانسانی دارد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.

۲. ابن فارس بن زکریا، احمد، معجم مقائیس اللغة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۴۰۴ق.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع ـ دارصادر، ۱۴۱۴ق.

۴. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۱.

۵. ثعلبی احمد بن محمد، الکشف و البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الثعلبی). بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.

۶. جوهری، اسماعیل بن حماد. الصحاح ـ تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ق.

۷. حسن‌زاده آملی، حسن. عیون مسائل النفس و سرح العیون فی شرح العیون، چ۲، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۵.

۸. حسینی، حسن، جستاری در باب حشر حیوانات و جمادات در قرآن با تاکید بر آرای علّامه طباطبائی، معارف قرآنی، ۱۱(۴۳)، ۱۳۹۹، ۱۷۴-۱۴۹.

۹. حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۴۲۰ق.

۱۰. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، چ ۴، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.

۱۱. خمینی، روح الله، چهل حدیث، چ۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۸.

۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان ـ سوریه: دارالعلم ـ الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.

۱۳. زینلی، روح الله، «حشر حیوانات از دیدگاه علامه طباطبایی و فخر رازی»، مشکوة، دوره ۳۰، شماره ۴، ۱۳۹۰، صص ۳۱_۴۹.

۱۴. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، المحیط فی اللغة، بیروت: عالم الکتاب، ۱۴۱۴ق.

۱۵. صادقی‌تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیرالقرآن بالقرآن و السنة. چ ۲، لبنان: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.

۱۶. طباطبایی سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، به ترجمه: موسوی همدانی، محمدباقر، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.

۱۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ۳، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳.

۱۸. فخررازی محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چ ۳، بیروت: دارإحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: هجرت، ۱۴۱۰ق.

۲۰. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: موسسة دار الهجرة، ۱۴۱۴ق.

۲۱. قاضی عبدالجبار بن احمد، تفسیر القاضی عبدالجبار المعتزلی. بیروت: دارالکتب العلمیة، ۲۰۰۹م.

۲۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز الکتاب للترجمة و النشر، ۱۴۲۰ق.

۲۳. لطیفی، رحیم؛ کریمی، محمد داود. «حشر حیوانات از منظر عقل و نقل»، کلام اسلامی، دوره ۲۴، شماره ۹۶، ۱۳۹۴، صص ۸۷-۱۰۹.

۲۴. نامعلوم، کتاب مقدس مژده برای عصر جدید، استانبول: بی‌نا، ۲۰۰۷م.

25. Allen, C. and Trestman, M. Animal Consciousness. In The Blackwell Companion to Consciousness (eds S. Schneider and M. Velmans). 2017, https://doi.org/10.1002/9781119132363.ch5

26. Birch J, Schnell AK, Clayton NS. Dimensions of Animal Consciousness. Trends Cogn Sci.24(10):789-801. 2020, doi: 10.1016/j.tics.2020.07.007.

27. Halina M. & Wandrey M., The Evolution of Animal Consciousness", Philosophy Compass, 20(12). 1-9. 2025, https://doi.org/10.1111/phc3.70069.

28. Hamad S. Animal sentience: the other minds problem. Anim Sent.; 2016:1, 2016. https://eur-lex.europa.eu/eli/treaty/tfeu_2016/art_13/oj/eng?utm_source, پیمان عملکرد اتحادیه اروپا، بخش اول

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]